پاسخ به شبهات پیرامون فلسطین و طوفان الاقصی | بخش (3)



در این بخش با استناد به کتاب " پاسخ به شبهات پیرامون فلسطین و طوفان الاقصی" تالیف پژوهشگاه مطالعات تقریبی به شبهاتی که در موضوع تاریخچه فلسطین، مذهب مردم فلسطین، طوفان الاقصی و رابطه ایران و حزب ا، قوم یهود و ... مطرح می شود پاسخ داده خواهد شد.

سؤال اول: ملت فلسطین سرزمین خود را به یهودیان فروختند، پس چرا مدعی آزادی سرزمین خود هستند؟

پاسخ: احتمالاً مقصود سؤال‌کننده از «سرزمین» همان زمین است، چون که سرزمین به معنای کشور است و فروش کشور امری غیرقابل‌تصور است که همه مردم یک سرزمین با هم توافق کنند و یک کشور را بفروشند. اما اینکه فلسطینی‌ها زمین‌های خود را به یهود فروختند، شایعه‌ای است که توسط اسرائیلی‌ها ساخته شده و حقیقت ندارد.

واقعیت چیز دیگری است که تبیین اجمالی آن ازاین‌قرار است: در سال‌های 1917 و 1918 یهودیان در فلسطین مالک 420 هزار متر مربع یعنی 42 هکتار زمین بودند که معادل 56/1 درصد مساحت فلسطین بود.

[1] از این تاریخ تا 1948 که فلسطین به اشغال صهیونیست‌ها درآمد، یهودیان مالک 400/806/1 متر مربع، یعنی 66/6 درصد اراضی فلسطین شدند. اما مالکیت یهود بر بیشتر این زمین‌ها، نه به خاطر فروش مردم فلسطین، بلکه به گونه دیگری بود که اجمال آن چنین است.000/175 متر مربع یعنی 64 صدم درصد توسط نماینده انگلستان در فلسطین به یهود اجاره داده شد و بعدها به مالکیت یهود درآمد.

000/325 متر مربع یعنی 20/1 درصد توسط حاکم نظامی بریتانیا به یهود واگذار شد. 000/625 متر مربع یعنی 31/2 درصد از مالکان بزرگ غیر فلسطینی خریداری شد. این زمین‌داران بزرگ، زمانی که فلسطین، سوریه، لبنان و اردن جزو بلاد شام یا سوریه بزرگ و تحت حاکمیت دولت عثمانی بودند، این زمین‌ها را خریدند. و بعد که فلسطین تحت قیمومت انگلیس قرار گرفت، اینها که خودشان در یک کشور و زمین‌هایشان در کشور دیگر قرار داشت، زمین‌های خود را با قیمت بالا به یهودیان فروختند. خانواده‌های لبنانی سرسق، سلام، بیهم، تیان، آل قبانی، آل صباخ و آل تویني، خیرالدین االاحدب، وصفی قدوره، جوزف خدیج، میچل سرجی، مراد دانا، الیاس الحاج، و خانواده‌های سوری: قوتلی، جزایری، آل مردینی، آل یوسف، در رأس این زمینداران بزرگ قرار داشتند که زمین خود را به یهودیان فروختند.

تنها 400/261 متر مربع یعنی 96 صدم درصد از زمین‌های فلسطین توسط برخی مالکان بزرگ فلسطینی به یهود فروخته شد که اولاً نوع آنان نیز از خائنان به فلسطین بودند و توسط فلسطینی‌ها به سزای عمل خود رسیدند. ثانیاً صهیونیست‌ها برخی از آنان را نیز به خاطر تحمیل شرایطی مانند بستن مالیات‌های سنگین، به ورشکستگی کشاندند تا ناچار به فروش زمین خود شوند.

پس فروش زمین به یهود، توسط فلسطینی‌ها واقعیت ندارد، بلکه شایعه‌ای است که توسط صهیونیست‌ها ساخته شده و به آن دامن زده می‌شود. علاوه بر اینکه:

اولاً: به فرض که فلسطینی‌ها زمین‌های خود را به یهود فروخته باشند، اما خانه‌های خود را که نفروختند. اراضی دولتی مانند: مراتع، جنگل‌ها و رودخانه‌ها را که نفروختند. زمین‌های وقفی را که بخش عمده‌ای از اراضی فلسطین را شامل می‌شد که نفروختند. حق توطن خود را که نفروختند. حاکمیت کشور را که به آنها نفروخته‌اند.

ثانیاً: فروش زمین و حتی خانه توسط شهروند یک کشور مجوز اخراج و آواره‌کردن او از کشور و سرزمین و وطن خود نخواهد شد. در هیچ جای دنیا چنین نیست که اگر کسی زمین و یا حتی خانه و کاشانه خود را فروخت، حق زندگی در آن کشور را نداشته باشد. کاری که یهود با مسلمانان و عرب‌ها کردند و آنان را

از سرزمین فلسطین آواره نمودند.

تحلیل مقام معظم رهبری در این باره خواندنی است. معظم له در خطبه‌های نمازجمعه دهم دی‌ماه 1378 فرمودند: اصل ماجرای فلسطین چیست؟ اصل ماجرا این است که یک عده از یهودیان متنفّذ در دنیا به فکر ایجاد یک کشور مستقل برای یهودی‌ها افتادند. از فکر این‌ها دولت انگلیس استفاده کرد و خواست مشکل خود را حل کند. البته آن‌ها قبلاً به فکر بودند به اوگاندا بروند و آنجا را کشور خودشان قرار دهند. مدّتی به فکر افتادند به طرابلس، مرکز کشور لیبی بروند؛ لذا رفتند با ایتالیایی‌ها که آن وقت طرابلس در دست آن‌ها بود صحبت کردند؛ اما ایتالیایی‌ها به این‌ها جواب رد دادند؛ بالاخره با انگلیسی‌ها کنار آمدند.

انگلیسی‌ها آن وقت در خاورمیانه اغراض بسیار مهمّ ِ استعماری داشتند؛ دیدند خوب است که این‌ها به این منطقه بیایند. اوّل به‌عنوان یک اقلیت وارد شوند، بعد به‌تدریج توسعه پیدا کنند و گوشه‌ای را، آن هم گوشهٔ حسّاسی را بگیرند؛ چون کشور فلسطین در نقطهٔ حساسی قرار دارد و دولت تشکیل دهند و جزو متّحدین انگلیس باشند و مانع شوند از اینکه دنیای اسلام بخصوص دنیای عرب در آن منطقه اتّحادی به وجود آورد. درست است که اگر دیگران هوشیار باشند، دشمن می‌تواند اتّحاد ایجاد کند؛ اما دشمنی که از بیرون آن‌طور حمایت می‌شود، با ترفندهای جاسوسی و با روش‌های گوناگون می‌تواند اختلاف ایجاد کند که همین کار را هم کرد: به یکی نزدیک شود، یکی را بزند، یکی را بکوبد، با یکی سختی کند.

بنابراین، در درجهٔ اوّل کمک کشور انگلیس و بعضی کشورهای غربی دیگر بود. بعد این‌ها به‌تدریج از انگلیس جدا و به امریکا متّصل شدند. امریکا هم این‌ها را تا امروز زیر بال خودش گرفته است. این‌ها به این معنا کشوری به وجود آوردند و آمدند کشور فلسطین را تصرّف کردند.

تصرّفشان هم این‌طوری بود: اوّل با جنگ نیامدند؛ اوّل با حیله آمدند، رفتند زمین‌های بزرگ فلسطین را که زارعان و کشاورزان عرب روی آن‌ها کار می‌کردند و خیلی هم سرسبز و آباد بود، با قیمت‌های چندبرابر قیمت اصلی، از صاحبان و مالکان اصلی این زمین‌های بزرگ که در اروپا و امریکا بودند خریدند؛ آن‌ها هم از خدا خواستند و زمین‌ها را به این یهودی‌ها فروختند. البته دلّال‌هایی هم داشتند که نقل کرده‌اند یکی از دلال‌هایشان همین «سیّد ضیا» معروف، شریک رضاخان در کودتای ۱۲۹۹ بود که از اینجا که به فلسطین رفت، آنجا دلّال خرید زمین از مسلمانان برای یهودی‌ها و اسرائیلی‌ها شد! زمین‌ها را خریدند؛ زمین‌ها که ملک این‌ها شد، با روش‌های واقعاً بسیار خشن و همراه با

سبعیّت و سنگدلی، به‌تدریج شروع به اخراج زارعان از این زمین‌ها کردند. در جایی می‌رفتند، می‌زدند، می‌کشتند و در همین هنگام افکار عمومی دنیا را هم با دروغ و فریب به‌طرف خودشان جلب می‌کردند.

این تسلّط غاصبانه صهیونیست‌ها بر فلسطین سه رکن داشت: یک رکنش عبارت از قساوت با عرب‌ها بود. برخوردشان با صاحبان اصلی، با قساوت و با سختی و خشونت شدید همراه بود. با این‌ها هیچ‌گونه مدارا نمی‌کردند. رکن دوم، دروغ به افکار عمومی دنیا بود. این دروغ به افکار عمومی دنیا، یکی از آن حرف‌های عجیب است. این‌قدر این‌ها به‌وسیلهٔ رسانه‌های صهیونیستی که دست یهودی‌ها بود، دروغ گفتند هم قبل از آن و هم بعد از آن، این دروغ‌ها گفته می‌شد که به‌خاطر همین دروغ‌ها بعضی از سرمایه‌داران یهودی را گرفتند! خیلی‌ها هم دروغ‌های آن‌ها را باور کردند. حتّی این نویسندهٔ فیلسوف اجتماعی فرانسوی «ژان پل سارتر» را نیز که خودمان هم در جوانی چندی شیفته این آدم و امثال او بودیم، فریب دادند.

همین «ژان پل سارتر» کتابی نوشته بود که بنده در سی‌سال قبل آن را خواندم. نوشته بود: «مردمی بی‌سرزمین، سرزمینی بی‌مردم»! یعنی یهودی‌ها مردمی بودند که سرزمینی نداشتند؛ به فلسطین آمدند که سرزمینی بود و مردم نداشت! یعنی چه مردم نداشت؟ یک ملت در آنجا بود و کار می‌کرد. شواهد زیادی هم هست. یک نویسنده خارجی می‌گوید در سرتاسر سرزمین فلسطین، مزارع گندم مثل دریای سبزی بود که تاچشم کار می‌کرد، دیده می‌شد.

سرزمین بی‌مردم یعنی چه؟! در دنیا این‌طور وانمود کردند که فلسطین یک جای متروکهٔ مخروبهٔ بدبختی بود؛ ما آمدیم اینجا را آباد کردیم! دروغ به افکار عمومی! همیشه سعی می‌کردند خودشان را مظلوم جلوه دهند؛ الآن هم همین‌طور است! در این مجّلات امریکایی مثل «تایم» و «نیوزویک» که بنده گاهی به این‌ها مراجعه دارم، اگر کوچک‌ترین حادثه‌ای علیه یک خانوادهٔ یهودی اتّفاق بیفتد، عکس و تفصیلات و سنّ کشته شده و مظلومیت بچه‌هایش را بزرگ می‌کنند؛ اما صدها و هزارها مورد قساوت نسبت به جوانان فلسطینی، خانواده‌های فلسطینی، بچه‌های فلسطینی، زن‌های فلسطینی، در داخل فلسطین اشغال شده و در لبنان اتّفاق می‌افتد، ولی کمترین اشاره‌ای به آن‌ها نمی‌کنند! رکن سوم هم ساخت‌وپاخت، مذاکره و به قول خودشان «لابی» است. بنشین با این دولت، با آن شخصیت، با آن سیاستمدار، با آن روشن‌فکر، با آن نویسنده، با آن شاعر، صحبت و ساخت کن!

کار این‌ها تابه‌حال سه رکن داشته است که توانسته‌اند این کشور را با این فریب و با این خدعه

بگیرند. آن وقت قدرت‌های خارجی هم با این‌ها همراه بودند که عمده انگلیس بود. سازمان ملل و قبل از سازمان ملل، جامعه ملل هم که بعد از جنگ برای به‌اصطلاح مسائل صلح تشکیل شده بود همیشه از این‌ها حمایت کردند؛ مگر در موارد معدودی.

در همان سال ۱۹۴۸، جامعهٔ ملل قطعنامه‌ای صادر نمود و فلسطین را بدون دلیل و بدون علّت تقسیم کرد. گفت پنجاه و هفت درصد از سرزمین فلسطین متعلّق به یهودی‌هاست؛ درحالی‌که قبل از آن، در حدود پنج درصد زمین‌های فلسطین متعلّق به این‌ها بود! آن‌ها هم دولت تشکیل دادند و بعد هم قضایای گوناگون و حمله به روستاها و شهرها و خانه‌ها و حمله به بی‌گناهان اتّفاق افتاد. البته دولت‌های عرب هم کوتاهی‌هایی کردند. چند جنگ اتّفاق افتاد.

در جنگ ۱۹۶۷، اسرائیلی‌ها توانستند با کمک امریکا و دولت‌های دیگر، مبالغی از زمین‌های مصر و سوریّه و اردن را تصرّف کنند. بعد، در جنگ ۱۹۷۳ که این‌ها شروع کردند، باز به کمک آن قدرت‌ها توانستند نتیجه جنگ را به نفع خودشان قرار دهند و زمین‌های دیگری را تصرّف کنند. هدف اسرائیل، توسعه است. دولت صهیونیستی به سرزمین فلسطین فعلی هم قانع نیست. اوّل یک وجب جا می‌خواستند، بعد نصف زمین فلسطین را گرفتند، بعد همه سرزمین فلسطین را گرفتند، بعد به کشورهای همسایهٔ فلسطین مثل اردن و سوریّه و مصر تجاوز کردند و زمین‌های آن‌ها را گرفتند.

الآن هم هدف اساسی صهیونیزم، ایجاد اسرائیل بزرگ است. البته این روزها کمتر اسم می‌آورند؛ سعی می‌کنند کتمان کنند. بازهم به افکار عمومی دروغ می‌گویند. چرا؟ چون در این مرحله‌ای که الآن هستیم، احتیاج دارند که هدف‌های توسعه‌طلبانهٔ خود را کتمان کنند! گرفتاری‌ای که امروز صهیونیست‌ها دارند، این است که به صلح احتیاج مبرم دارند. چرا؟ چون بعد از سال ۱۹۴۷ تا سال ۱۹۶۷ مبارزه‌ای نبود و آن بیست سال در حال خوبی نگذشت. بعد هم که مبارزات مسلّحانه شروع شد.»

سؤال دوم: سرزمین‌های ۱۹۶۷ اشغالی است، سرزمین‌های ۱۹۴۸ اشغالی نیست؛ بنابراین هر عملیاتی در سرزمین‌های ۱۹۴۸ تروریستی است دیگر مقاومت نیست.

پاسخ: سرزمین فلسطین چه آن بخشی که قبل از سال 1948 به تصرف صهیونیست‌ها در آمده و چه آن مقداری که بعداً به تصرف درآمده همگی اشغالی است. زیرا بخش کمی از این سرزمین‌ها با حیله‌گری و تحت عنوان خرید از دست مسلمانان در آمده است. بقیه این

سرزمین به ظلم، زور، قتل و غارت و خونریزی اشغال شده است. برای نمونه به برخی از کشتارهای قبل از سال 1948 اشاره می‌کنیم.

قتل‌عام مردم روستای دیر یاسین در نهم آوریل 1948 که آمار شهدای آن بین 250 تا 360 نفکر ذکر شده است.

قتل‌عام 455 نفر از مردم روستای دوایمه که 170 نفر از آنان زن و کودک بودند و در 29 اکتبر 1948 اتفاق افتاد.

قتل‌عام مردم روستای طنطوره که در 22 می 1948 اتفاق افتاد و 250 فلسطینی در این واقعه به شهادت رسیدند.

حمله به روستای صفصاف در 1948 که طی آن 60 فلسطینی به شهادت رسیدند.

حمله به روستای قبیه در 14 اکتبر 1953 که 69 فلسطینی در آن کشته شدند.

قتل‌عام 386 فلسیطینی در شهر خان یونس که در 3 نوامبر 1956 اتفاق افتاد.

جنایت روستای کفر قاسم که در 29 اکتبر 1956 اتفاق افتاد و به قتل 49 فلسطینی انجامید.

جنایت‌کاران صهیونیست، با کشتار و کشتارهایی ازاین‌قبیل که به برخی از آنها اشاره شد، در دل مسلمانان و عرب‌های ساکن شهرها و روستاهای فلسطین ایجاد رعب و وحشت می‌کردند و آنان را از سرزمین خود آواره کرده و زمین‌ها و خانه و کاشانه آنها را تصرف می‌کردند و لذا با شروع اشغال رسمی فلسطین در بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۰ بیش از ۵۳۰ شهر و روستای فلسطینی تخریب شد. بسیاری از این تخریب‌ها به این دلیل رخ می‌داد که فلسطینی‌های آواره نتوانند به خانه‌های خود بازگردند.

در تاریخ ۱۵ مه ۱۹۴۸ گروه‌های تروریستی یهودی شامل؛ هاگانا واشترن و پالماخ که تحت نظارت و آموزش انگلیسی‌ها بودند حملات وحشیانه خود را به شهرها و روستاهای فلسطینی آغاز کردند. طبق آمار موجود، بیش از ۷۰۰ هزار فلسطینی یعنی نزدیک به نیمی از جمعیت فلسطینیان در آن زمان از خانه و کاشانه خود آواره شدند و ۴۰۰ تا ۶۰۰ روستای فلسطینی کاملاً تخریب شد. [2]

بنابراین، همه سرزمین فلسطین اشغالی است و نمی‌توان زمین‌های قبل 1967 را غیر اشغالی خواند. و لذا اقدامات فلسطینی‌ها بر ضد صهیونیست‌ها مقاومت است و نه تروریسم. تروریست رژیم اشغالگر قدس است که در طول ۷۵ سال اخیر بیش از ۱۰۰ هزار فلسطینی را با گلوله مستقیم به شهادت رسانده و بیش از یک میلیون نفر را نیز دستگیر کرده است.

سؤال سوم: چرا ادعا می‌کنید «مردم فلسطین پیروز واقعی مبارزه با صهیونیست‌ها بوده و هستند» از کجا معلوم؟

پاسخ: اولاً: پیروزی رزمندگان فلسطینی یک ادعا نیست، بلکه یک واقعیت است. بد نیست ابتدا مثالی را بزنیم که توجه به آن در روشن شده پاسخ به این سؤال مؤثر است. فرض کنیم یک ماشین ژیان با یک ماشین بنز شاخ‌به‌شاخ با یکدیگر برخورد کنند. در این تصادف ممکن است ماشین ژیان مچاله و نابود شود و لذا اگر کسی ظاهر قضیه را ببیند، پیروز این تصادف را بنز قلمداد می‌کند، اما اگر توجه کنیم که در این تصادف تنها یک خط روی بنز بیفتد، خسارت آن بیشتر از قیمت یک ژیان است. جنگ مبارزان فلسطینی و رژیم اشغالگر قدس هم مانند همان تصادف است، چون رژیم اشغالگر یک بچه دُردانه استکبار در منطقه است که تمام قدرت‌های بزرگ غربی و حتی شرقی آن را با پیشرفته‌ترین امکانات نظامی و امنیتی تجهیز نموده‌اند، به حدی که از نیروی نظامی این رژیم تصویر یک ارتش شکست‌ناپذیر در اذهان مردم دنیا به‌خصوص کشورهای عرب منطقه شکل گرفته بود که جنگ با ارتش اسرائیل را «مشت بر سندان کوبیدن» می‌دانستند که نتیجه‌ای جز شکسته شدن مشتِ کوبنده نخواهد داشت. اما گروه نسبتاً کوچکی مانند حماس با تجهیزات تقریباً معمولی نظامی و امکانات بسیار محدود موفق شوند تمام تجهیزات الکترونیکی ـ امنیتی این رژیم را هک کنند و در یک غافل‌گیری فوق‌العاده تا عمق چهل‌کیلومتری خاک فلسطین اشغالی پیش روند و با تعداد قابل‌توجهی اسیر برگردند. آیا این واقعاً پیروزی نیست، گرچه بعداً به‌شدت مورد حمله قرار گیرند و تعداد بسیار زیادی از مردان و زنان و کودکان آنان هم در این حملات به شهادت برسند.

ثانیاً این سنت الهی است که در نهایت خون مظلوم بر شمشیر ظالم غلبه خواهد کرد گرچه به‌ظاهر و در بدو امر این ظالم است که بر مظلوم غلبه کرده است، اما در امتداد تاریخ اراده خداوند بر این قرار گرفته که خون مظلوم هدر نرود و لذا در نهایت این مظلوم است که بر ظالم پیروز خواهد شد.

ثالثاً این عقیده ما مسلمانان است که پیروزی نهایی با توکل‌کنندگان بر خداست. این فرمایش خداوند است که در یک جا فرموده است: «لِلَّهِ جُنُودُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ» (الفتح (48): 4)؛ «[همه]

سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آنِ خداست.» و در جای دیگری فرموده است: «مَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (الطلاق (65): 3)؛ «هرکس به خدا توکّل کند او برای وی بس است» بنابراین یک مؤمن به خدا، اگر به او توکل کند خدا هم پشتیبان او ست و در نهایت پیروزی با او خواهد بود. از سوی دیگر همین خداوند است که فرموده است: «أَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ کَیْدِ الْکافِرِینَ» (الانفال (8): 18)؛ «[بدانید که] خدا سست‌کننده نیرنگ کافران است.» بر این اساس نیرنگ کافران راه به جایی نخواهد برد و پیروزی نهایی از آن مسلمانان و مؤمنان به خدا خواهد بود.

سؤال چهارم: چرا درباره فلسطین این‌همه شبهه در فضای مجازی وجود دارد؛ چطور باید به این‌همه شبهه پاسخ داد؟

پاسخ: شبهه‌پراکنی و کثرت شبهات در مورد فلسطین، ریشه در دو چیز دارد. اول، سلطه سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای صهیونیسم بر غرب که از یک سو، تمام سران سیاسی و اقتصادی غرب را تحت سلطه خود دارد، و از سوی دیگر با قدرت رسانه‌ای، چهره‌ای مظلوم از خود را به تصویر کشیده است که بسیاری از شخصیت‌ها و نخبگان علمی و رسانه‌ای غرب، به طرفداری از یهود و صهیونیست‌ها بپردازند و آنان را صاحبان اصلی سرزمین فلسطین تلقی نمایند، و در مقابل مردم فلسطین را عده‌ای خشونت‌طلب و دور از تمدن معرفی کنند که صهیونیست‌ها را مورد تعدی و ظلم و تجاوز قرار می‌دهند، و لذا برای دفاع از صهیونیسم به شبهه‌پراکنی علیه فلسطین و مردم مظلوم آن بپردازند.

دوم- ناآگاهی نسل جدید اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان از سرنوشت فلسطین. زیرا سرزمین فلسطین از سال ۱۹۴۸ میلادی به اشغال صهیونیست‌ها در آمده و تا کنون که ابتدای سال ۲۰۲۴ میلادی است به مدت ۷۶ سال در اشغال آنان بوده است. در این مدت نیز همه‌جا صحبت از اسرائیل بوده و صهیونیست‌ها با همان قدرت رسانه‌ای خویش نام اسرائیل را در همه‌جا رواج داده و سعی در پوشاندن نام فلسطین داشته‌اند؛ لذا امروزه اگر نام فلسطین برده شود، حتی برای برخی از نسل جدید مسلمانان ناآشنا به نظر می‌آید و لذا موجب شبهه می‌شود.

اما پاسخ به این‌همه شبهه نیازمند این است که در درجه اول نام فلسطین، تاریخچه این سرزمین و اهمیت مذهبی و سیاسی آن برای مسلمانان و دیگر مردم جهان روشن شود و یاد فلسطین در بین مردم دنیا زنده شود، همان‌طور که مرحوم امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه، جمعه آخر ماه رمضان را به همین جهت به‌عنوان روز قدس مطرح نمودند تا زمینه‌ساز احیاء نام و یاد فلسطین باشد.

در مرحله بعد بر تمام آگاهان جهان اسلام اعم از شیعه و سنی لازم است با استفاده از تریبون‌های مختلفی که در اختیار دارند، به روشن‌کردن مسئله فلسطین و پاسخ‌دادن به شبهات بپردازند. روشن است که اگر احساس مسئولیت نسبت به مردم فلسطین در بین مسلمانان به وجود آید، پاسخ‌گویی به شبهات مربوط به فلسطین برای آنان امری سهل خواهد بود. زیرا در دنیای امروز حداقل پنجاه کشور اسلامی وجود دارد که جمعیت آنها با دیگر اقلیت‌های مسلمان حدود یک میلیارد و هشت میلیون خواهد شد که اگر تنها یک درصد آنان به این کار مبادرت نمایند، جمعیتی فراوان با قدرتی بسیار عظیم خواهند شد.

سؤال پنجم: عادی‌شدن روابط کشورها با اسرائیل و شناسایی آن به‌عنوان دولتی مستقل و مشروع موجب آرامش و ثبات منطقه می‌شود. رژیم اسرائیل نابودشدنی نیست و تلاش برای ازبین‌بردن آن جز جنگ و کشتار اثری ندارد. بهتر است فلسطینیان و کشورهای منطقه و جهان اسلام به تشکیل دو دولت یهودی و فلسطینی در کنار هم رضایت دهند تا دامنه این ناامنی،ویرانی و کشتار برچیده شود.

پاسخ: اولاً: سرزمین فلسطین یکی از مقدس‌ترین سرزمین‌های مسلمانان و به لحاظ استراتژیکی یکی از مهم‌ترین نقاط جهان است که گذشتن از آن و قراردادن، در اختیار صهیونیسم امری خلاف‌شرع مصالح همه مسلمانان است.

ثانیاً: سرزمین فلسطین به همه مسلمانان تعلق دارد و فلسطینیان به‌تنهایی نمی‌توانند در مورد آن تصمیم بگیرند، و مسلمانان آزاده عالم هیچ‌گاه تن به این ذلت نخواهند داد که بخشی از سرزمین خود را تقدیم بیگانه نمایند.

ثالثاً: تقسیم فلسطین راه چاره فلسطین نیست، زیرا صهیونیست‌ها هرگز نه‌تنها به این مقدار زمین راضی نیستند، بلکه به همه سرزمین فلسطین هم راضی نخواهند شد. شعار آنان این است که حدود فلسطین را دو رود فرات در کشور عراق و دیگری رود نیل در کشور مصر تشکیل می‌دهد و به کمتر از این راضی نخواهند شد، یعنی قصد آنان تصرف تمامی سرزمین‌های مقدس مسلمانان است و این چیزی است که تاریخ رژیم اشغالگر قدس مؤید آن است. در طول حیات نکبت‌بار این رژیم غاصب بارها جنگ را به مسلمانان فلسطین، مصر، سوریه، لبنان و اردن تحمیل نموده‌اند، پس تنها راه چاره نابودی این رژیم است، و الا تا زمانی که این رژیم در این منطقه وجود داشته باشد، مسلمانان منطقه روی آرامش را نخواهند دید.

[1] . دفتر حماس در تهران، شبهات تاریخی، فروش زمین شایعه یا واقعیت، دفتر جنبش مقاومت اسلامی حماس در تهران، ص 23

[2] . https://kayhan.ir/fa/news/274695